

دعای ۱۵۳- هنگام پیش آمدن امر مهمی که باعث اندوه و نگرانی است



مسعدة بن صدقه روایت می‌کند که: از امام صادق (علیه السلام) درخواست کردم که دعایی به من بیاموزند تا در کارهای مهم آن را بخوانم. امام، صفحاتی از یک صحیفه قدیمی بیرون آوردند و فرمودند: «از آنچه در آن نوشته شده، نسخه‌ای بردار که این دعای جدم، علی بن الحسین، زین العابدین (علیه السلام)، برای کارهای مهم است.»

من آن دعا را به طور کامل نوشتم و هرگاه چیزی مرا غمگین می‌کرد یا دچار گرفتاری می‌شدم، آن دعا را می‌خواندم و خداوند اندوه مرا برطرف می‌کرد، غم و گرفتاری‌ام را رفع می‌نمود و حاجتم را برآورده می‌کرد.
و آن دعا این است:

اَللّٰهُمَّ هِدَيْتَنِيْ فَلَهَوْتُ،

خداوند! تو مرا هدایت کردی، اما من به لهو و بازی مشغول شدم.

وَوَعَّظْتَ فَقَسَوْتُ،

و مرا پند دادی و موعظه کردی، اما من سنگ‌دلی و قساوت نشان دادم.



وَأَبْلَيْتَ الْجَمِيلَ فَعَصَيْتُ،

زیبایی‌ها و نعمت‌های نیکو را بر من آشکار ساختی، اما من نافرمانی کردم.

وَعَرَفْتُ^۱ فَأَصْرَرْتُ^۲،

و آگاه ساختی، اما برگناه و اشتباهم اصرار ورزیدم.

ثُمَّ عَرَفْتُ فَاسْتَغْفَرْتُ فَأَقْلْتُ،

سپس دوباره مرا آگاه کردی، پس من استغفار کردم و تو مرا بخشیدی؛

فَعُدْتُ فَسَتَرْتُ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي^۳.

اما باز هم خطا کردم و تو آن را پوشاندی. محبوب من! پس هر ستایشی تنها شایسته توست.

تَقَحَّمْتُ أَوْدِيَةَ هَلَاكِي^۴ وَتَخَلَّلْتُ^۵ شِعَابَ تَلْفِي^۶،

بی پروا و بی فکر، خود را به وادی هلاکت انداختم و مسیر نابودی خود را پیمودم،

وَتَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِكَ، وَبَحُلُولِهَا لِعُقُوبَاتِكَ^۷،

و خود را در معرض هیبت و غلبه قدرتت و به دنبال آن، کیفر و مجازات‌هایت قرار دادم.

وَوَسَّيْلَتِي إِلَيْكَ التَّوْحِيدُ،

اما دستاویزم به تو، باور به یگانگی توست

وَذَرِيعَتِي أَنِّي لَمْ أُشْرِكْ بِكَ شَيْئًا، وَلَمْ أَتَّخِذْ مَعَكَ
إِلَهًا،

و حجتّم این است که هیچ چیز را شریک تو قرار ندادم و با
وجود تو، هیچ محبوب دیگری اختیار نکردم

وَقَدْ فَرَرْتُ إِلَيْكَ مِنْ نَفْسِي وَإِلَيْكَ يَفِرُّ^۸ الْمُسِيءُ،
و از نفس خویش به سوی تو گریخته‌ام که گنهگار، جز درگاه
تو پناهی ندارد

وَأَنْتَ مَفْرَعُ الْمُضِيعِ^۹ حَظَّ نَفْسِهِ،^{۱۰}
و تویی پناهگاه کسی که تقدیر خویش را به تباهی کشانده
است.

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي.
محبوب من! چنین است که هر حمد و ستایشی فقط مخصوص
توست.

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَى عَلَيَّ سَيْفَ عَدَاوَتِهِ،
چه بسیار دشمنی که تیغ دشمنی خود را بر من کشید،
وَشَحَذَ لِي ضَبَّةً^{۱۱} مُدَيَّتِهِ، وَأَرْهَفَ لِي شَبَابَ حَدِّهِ،
لبه تیغش را برای من تیز کرد، و تیزی آن را بر من برنده
ساخت.

وَدَافَ لِي قَوَاتِلَ سُومِيهِ، وَسَدَّدَ^{۱۲} نَحْوِي صَوَائِبَ
سِهَامِهِ،

و زهرهای کُشنده‌اش را برایم آمیخت (و آماده ساخت) و
تیرهای مرگبارش را به سوی من نشانه گرفت.

وَلَمْ تَنْمَ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ،
و چشم کمین و مراقبتش از من غافل نشد.

وَأَضْمَرَ^{۱۳} أَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ، وَيُجَرِّعَنِي زُعَافَ^{۱۴}
مَرَارَتِهِ.

او قصد داشت سختی‌ها و ناگواری‌ها را بر من تحمیل کند و
جرعه‌ی تلخ زهرش را به من بنوشاند.

فَنَظَرْتُ يَا إِلَهِي إِلَى ضَعْفِي عَنْ احْتِمَالِ الْفَوَاحِشِ،
اما ای محبوب من! تو به ضعف من در تحمل مصیبت‌های
سنگین نگرستی،

وَعَجَزِي عَنِ الْإِنْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ،
و عجز مرا در مقابل کسی که آهنگ جنگ و مبارزه با من
داشت، دیدی.

وَوَحَّدَتِي فِي كَثِيرٍ^{۱۵} عَدَدٍ مَنْ نَاوَانِي وَأَرْصَدَ لِي
الْبَلَاءَ^{۱۶} فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ فِيهِ فِكْرِي،

و دیدی تنهایی مرا در برابر تعداد زیاد کسانی که قصد دشمنی
با من کرده و نقشه‌هایی برایم کشیده بودند که حتی فکرش
را هم نمی‌کردم.

فَابْتَدَأْتَنِي بِنَصْرِكَ وَشَدَدْتَ أَزْرِي بِقُوَّتِكَ،

پیش از آنکه از تویاری بخواهم با نصرتت یاریم نمودی، و مرا با
نیروی خود قدرتمند ساختی.

ثُمَّ فَلَلْتَ لِي حَدَّهُ وَصَيَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعٍ عَدِيدٍ
وَحَدَّهُ،

آنگاه غلبه و تیزی دشمن را بر من کند کردی، و او را با آن همه
سپاه و جمعیت بسیار، تنها ساختی.

وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ، وَجَعَلْتَ مَا سَدَّدَهُ مَرْدُوداً
عَلَيْهِ،

تو مرا بر او برتری بخشیدی و هر چه به سوی من نشانه گرفته
بود، به خودش بازگرداندی

فَرَدَّدْتُهُ لَمْ يَشْفِ عَلَيْهِ^{۱۷}، وَلَمْ يُبَرِّدْ حَرَارَةَ غَيْظِهِ^{۱۸}،

و او را بی آنکه عطش انتقامش تسکین یافته باشد یا آتش خشمش
فرونشسته باشد، برگرداندی.

قَدْ عَصَّ عَلَيَّ^{۱۹} شَوَاهُ، وَأَذْبَرَ مُوَلِّياً قَدْ أَخْلَفْتَ^{۲۰}
سَرَايَاهُ.

او در حالیکه از شدت خشم دندان هایش را به هم می فشرد و تو
لشکریانش را پراکنده و ناکام کرده بودی، باز می گشت.

وَكَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ،^{۲۱}
چه بسیارستمگری که با مکر و نیرنگ هایش در حق من ظلم
و تجاوز کرد،

وَنَصَبَ لِي أَشْرَاكَ مَصَائِدِهِ،^{۲۲}
ودام های فریب خود را برایم گسترد،

وَوَكَّلَ بِي تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ،
و جاسوسانی را برای زیر نظر گرفتن و مراقبت از من گماشت

وَأَضْبَأَ إِلَيَّ إِضْبَاءَ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ انْتِظَارًا لِانْتِهَازِ
الْفُرْصَةِ لِفَرِيَسَتِهِ،^{۲۳}

همچون درنده ای که در کمین شکار خود نشسته، در انتظار
فرصتی برای حمله بود.

فَنَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي مُسْتَعِثًا بِكَ، وَاثِقًا بِسُرْعَةِ
إِجَابَتِكَ،

پس تو را مضطرانه تو را به یاری خواندم، ای محبوب من، در حالی
که به سرعت اجابت اطمینان داشتم،

عَالِمًا أَنَّهُ لَا يُضْطَهُدُّ مَنْ آوَى إِلَى ظِلِّ كَنْفِكَ،

و نیک می دانستم که هرکس به حصار امن پناه تو درآید، هرگز مورد ستم واقع نمی شود،

وَلَنْ يَفْزَعَ^{۲۴} مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعَاqِلِ^{۲۵} انْتِصَارِكَ،

و هرکس به پناهگاه های امن یاری تو پناه ببرد، هرگز ترسی به دلش راه نخواهد یافت.

فَحَصَّنْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ.

پس تو با قدرتت مرا از آسیب دشمن حفظ کردی و از گزندش در امان نگاه داشتی.

وَكَمْ مِنْ سَحَابٍ^{۲۶} مَكْرُوهٍ قَدْ جَلَّتْهَا عَنِّي^{۲۷}،

چه بسیار بلاهایی که مانند ابری سنگین بر سرم سایه افکنده بود و توان ها را برطرف کردی؛

وَعَوَاشِي^{۲۸} كُرْبَاتٍ كَشَفْتَهَا^{۲۹}،

و چه سختی و اندوه های بسیاری که آنها را از من برطرف کردی؛

لَا تُسَلُّ عَمَّا تَفْعَلُ،

در برابر آنچه انجام می دهی مورد پرسش قرار نمی گیری.

وَلَقَدْ سُلِّتَ فَأَعْطِيتَ، وَلَمْ تُسَلَّ فَأَبْتَدَأْتَ،

هنگامی که از تو درخواست شد، عطا کردی، و وقتی آنجا که درخواستی در کار نبود، تو خود آغازگر بخشش شدی.

وَاسْتُمِیحَ فَضْلُكَ فَمَا أَكْذَيْتَ،

و از فضل تو گشایش و عطای بیشتر طلب کردند، و توهرگز دریغ نکردی و دست رد به سینه نزدی.

أَبَيْتَ^{۳۰} إِلَّا إِحْسَانًا،^{۳۱}

تو ابا داشتی که جز به نیکی و احسان رفتار کنی

وَأَبَيْتُ إِلَّا تَقَحُّمَ حُرْمَاتِكَ،^{۳۲} وَتَعْدِي حُدُودِكَ،^{۳۳}

وَالْغَفْلَةَ^{۳۴} عَنْ وَعِيدِكَ،

در حالی که من جز به بی پروا در افتادن به حرام های تو، تجاوز از حدود و احکامات و غفلت از تهدیدهایت، کاری نکردم.

فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ، وَذِي أُنَاةٍ لَا

يَعْجَلُ،

محبوب من! همه حمد و ستایشها فقط از آن توست که توانای شکست ناپذیر هستی، و بردباری هستی که شتاب نمی کنی!

هَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ لَكَ بِالتَّقْصِيرِ،^{۳۵} وَشَهِدَ عَلَى

نَفْسِهِ بِالتَّضْيِيعِ!

این حال کسی است که در برابر تو، به کوتاهی هایش اعتراف می کند و خود بر تباهی اش شهادت می دهد.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفِيعَةِ،

خداوندا! من به واسطه مقام والای محمدی (صلی الله علیه وآله وسلم) به تو تقرب می جویم

وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالْعُلَوِيَّةِ الْبَيَضَاءِ،^{۳۶}

و با توسل به مقام نورانی علوی (علیه السلام) به توری می آورم.

فَاعِزَّنِي مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَشَرِّ مَنْ يُرِيدُنِي سُوءاً،^{۳۷}

پس مرا از شرّ هر آنچه آفریده ای و از شرّ هر کس که بدخواه من است، پناه ده.

فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ عَلَيْكَ فِي وُجْدِكَ،

زیرا روا ساختن این خواسته، نه بر توانگری بی انتهای تو دشوار است

وَلَا يَتَكَدُّكَ فِي قُدْرَتِكَ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ.^{۳۸ و ۳۹}

و نه در قدرت تو هیچ دشواری پدید می آورد، که تو بر هر چیز توانایی.

اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِتَرْكِ الْمَعَاصِي مَا أَبْقَيْتَنِي،

خداوندا! تا زمانی که مرا زنده نگاه داشتی، با رحمت و لطف خود، مرا در ترک گناهان یاری کن.

وَارْحَمْنِي بِتَرْكِ تَكْلُفٍ مَا لَا يَنْعِنِي،

و با جلوگیری از درگیر شدن در امور بی فایده که سودی برایم ندارد، رحمت را شامل حالم کن.

وَارْزُقْنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي،

و نیک اندیشی و بصیرت در آنچه تو را از من خشنود می سازد نصیبم کن.

وَأَلْزِمْ قَلْبِي حِفْظَ كِتَابِكَ كَمَا عَلَّمْتَنِي،

و دلم را چنانکه خود به من آموختی، ملازم به حفظ کتابت گردان.

وَأَجْعَلْنِي أَتْلُوهُ عَلَى مَا يُرْضِيكَ بِهِ عَنِّي

و چنان کن که قرآن را به گونه ای تلاوت کنم که تو از من خشنود شوی،

وَنَوِّرْ بِهِ بَصَرِي وَأَوْعِهِ سَمْعِي وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي

و دیده ام را به آن روشن کن، و گوشم را پذیرای آن ساز، و سینه ام را به آن گشاده دار،

وَفَرِّجْ بِهِ عَن قَلْبِي وَأَطْلِقْ بِهِ لِسَانِي وَاسْتَغْمِلْ

بِهِ بَدَنِي

و به واسطه آن، اندوه را از دلم برطرف ساز، و زبانم را به آن گویا کن، و بدنم را در راه آن به کار گیر،

وَأَجْعَلْ فِيَّ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ مَا يُسَهِّلُ ذَلِكَ عَلَيَّ
و در من نیرو و توانی قرار ده که این کار را برایم آسان سازد،

فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ.

زیرا هیچ نیرو و توانی جز به [یاری] تو نیست.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِيَّ وَنَهَارِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَمُنْقَلَبِي
وَمَثْوَايَ فِي عَافِيَةٍ^{۴۰} مِنْكَ وَمُعَافَاةٍ وَبَرَكَاتٍ^{۴۱} مِنْكَ
خداوندا، شب و روزم، و دنیایم و آخرتم، و بازگشت و جایگاهم
را در عافیت و تندرستی و برکت از سوی خود قرار ده.

اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي وَمَوْلَايَ وَسَيِّدِي، وَأَمَلِي وَإِلَهِي،
وَعِيَائِي وَسَنَدِي، وَخَالِقِي وَنَاصِرِي وَثِقَتِي وَرَجَائِي،
خداوندا! تو پروردگار، مولا، سرور، امید، محبوب، فریادرس،
تکیه گاه، آفریننده، یاور، و مورد اعتماد و امید من هستی.

لَكَ مَحْيَايَ وَمَمَاتِي، وَلَكَ سَمْعِي وَبَصَرِي،
زندگی و مرگ من، شنوایی و بینایی من تنها از آنِ تو و برای توست.

وَبِيَدِكَ رِزْقِي وَإِلَيْكَ أُمْرِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،
روزی من تنها به دست توست و کار من در دنیا و آخرت فقط
در اختیار توست.

مَلَكْتَنِي بِقُدْرَتِكَ، وَقَدَّرْتَ^{۴۲} عَلَيَّ بِسُلْطَانِكَ،
تو با قدرتت بر من مالکیت داری و با سلطنتت بر من حکم
می رانی.

لَكَ الْقُدْرَةُ فِي أَمْرِي وَنَاصِيَّتِي بِيَدِكَ،
در کار من، قدرت فقط از آن تو و سرنوشت من به دست توست.

لَا يَحُولُ أَحَدٌ دُونَ رِضَاكَ،
هیچ کس نمی تواند مانع رضایت و خواست تو شود.

بِرَأْفَتِكَ أَرْجُو رَحْمَتَكَ،
به واسطه رأفت و مهربانی تو، به رحمت امیدوارم

وَبِرَحْمَتِكَ أَرْجُو رِضْوَانَكَ،
و به واسطه رحمت تو، خشنودی و رضوانت را آرزو می کنم

لَا أَرْجُو ذَلِكَ بِعَمَلِي فَقَدْ عَجَزَ عَنِّي عَمَلِي، فَكَيْفَ
أَرْجُو مَا قَدْ عَجَزَ عَنِّي؟!^{۴۳}

و به پشتوانه عمل خود، امیدی به رضوان و رحمت ندارم، زیرا
عملم از یاری من ناتوان مانده است، حال چگونه به چیزی
امید داشته باشم که از یاری من ناتوان است؟!

أَشْكُو إِلَيْكَ فَاقْتِي، وَضَعَفَ قُوَّتِي، وَإِفْرَاطِي فِي أَمْرِي،
به تو شکایت می کنم از تهیدستی ام، از ناتوانی ام و از زیاده روی
کردن در امورم

وَكُلُّ ذَلِكَ مِنْ عِنْدِي وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي،
فَاكْفِنِي ذَلِكَ كُلَّهُ.

و همه اینها و آنچه را که تواز من آگاه‌تر و داناتری، از جانب من است پس همه را برایم کفایت کن. (از من دور کن و برطرف ساز)

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ، وَإِبْرَاهِيمَ
خَلِيلِكَ،

خداوند! مرا از همنشینان دوست و محبوبیت؛ محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، و یار صمیمی‌ات؛ ابراهیم (علیه السلام)، قرار ده.

وَيَوْمَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ مِنَ الْأَمِينِ فَأَمِّنِّي،
و مرا در روز آن وحشت بزرگ، از ایمنی یافتگان قرار ده و امانم بده.

وَبِتَيْسِيرِكَ فَيَسِّرْ لِي،^{۴۴}
با یاری و آسان‌گیری خود، کارهایم را بر من آسان کن.

وَبِإِظْلَالِكَ فَأُظِلَّنِي،^{۴۵}
و با سایه رحمت، مرا زیر سایه خود بگیر.

وَبِمَفَازَةٍ مِنَ النَّارِ فَنَجِّنِي، وَلَا تُسَمِّنِي^{۴۶} السُّوءَ وَلَا
تُخْزِنِي،

و با رهایی از آتش جهنم، نجاتم بده و مرا به بدی و رسوایی دچار نکن.

وَمِنَ الدُّنْيَا فَسَلِّمْنِي،

مرا از دنیا سالم و ایمن نگه دار.

وَحُجَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلَقِّنِي،

در روز قیامت، دلیل و حجت مرا به من تلقین کن.

وَبِذِكْرِكَ فَذَكِّرْنِي، وَلِلْيُسْرَى فَيَسِّرْنِي،

مرا به واسطه ذکر خود، یاد کن و راه راحتی و آسایش را برایم آسان ساز.

وَلِلْعُسْرَى فَجَبِّبْنِي، وَلِلصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ^{۴۷} مَا دُمْتُ

حَيًّا فَالْهِمْنِي،

مرا از سختی ها و دشواری ها دور نگه دار، و تا زنده ام، الهام بخش من به نماز و زکات باش.

وَلِعِبَادَتِكَ فَوَفِّقْنِي، وَفِي الْفِقْهِ وَمَرْضَاتِكَ

فَاسْتَعْمِلْنِي،

توفیق عبادت را عطا کن و مرا در فهم دین و کسب رضای خود به کار گیر.

وَمِنْ فَضْلِكَ فَارْزُقْنِي،

روزی مرا از فضل و بخشش خویش عطا کن

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ فَبَيِّضْ وَجْهِي، وَحَسَابًا يَسِيرًا فَحَاسِبْنِي،

و در روز قیامت رو سفیدم کن و حسابم را آسان بگیر.

وَبِقَبِيحِ عَمَلِي فَلَا تَفْضَحْنِي، وَبِهَذَاكَ فَاهْدِنِي،
به سبب اعمال زشت مرا رسوا نکن و با هدایت مرا راهنمایی کن
وَبِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ فَثَبِّتْنِي،
و با گفتار ثابت و استوار در زندگی دنیا و آخرت، مرا ثابت قدم
بدار.

وَمَا أَحْبَبْتُ فَحَبِّبْهُ إِلَيَّ،
هر چیزی را که دوست داری، در دل من نیز محبوب گردان،

وَمَا كَرِهْتُ فَبَغِّضْهُ إِلَيَّ،
و هر چیزی را که نمی پسندی، در نظر من منفور ساز.

وَمَا أَهَمَّنِي مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَاكْفِنِي،
در آنچه از دنیا و آخرت که مرا به خود مشغول کرده است،
کفایتم کن.

وَفِي صَلَاتِي وَصِيَامِي وَدُعَائِي وَنُسُكِي وَشُكْرِي
وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَبَارِكْ لِي،
به نماز، روزه، دعا، عبادت، شکرگزاری، دنیا و آخرت
برکت عنایت کن.

وَالْمَقَامَ الْمَحْمُودَ فَابْعَثْنِي،
مرا به مقام محمود (شفاعت) برسان

وَسُلْطَانًا نَصِيرًا فَاجْعَلْ لِي،

و نیروی قوی و یاری دهنده برایم فراهم کن

و ظُلْمِي وَجَهْلِي وَإِسْرَافِي فِي أَمْرِي فَتَجَاوَزْ عَنِّي،

و از ظلم، نادانی و زیاده روی من در کارهایم چشم پوشی کن.

وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ فَخَلِّصْنِي،

و مرا از فتنه های زندگی و مرگ رهایی بخش،

وَمِنْ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ فَنَجِّنِي،

و از اعمال زشت و ناپسند، چه آشکار و چه پنهان، نجات ده،

وَمِنْ أَوْلِيَائِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَاجْعَلْنِي،

و در روز قیامت، مرا از دوستان و اولیای خود قرار ده،

وَأَدِمَّ لِي صَالِحَ الَّذِي أَتَيْتَنِي،

و اعمال صالحی را که به من عطا کرده ای برایم پایدار بدار،

وَبِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَأَغْنِنِي،

و با روزی حلال، مرا از حرام بی نیاز کن،

وَبِالطَّيِّبِ عَنِ الْخَبِيثِ فَاكْفِنِي.

و با روزی طیب و پاکیزه، مرا از ناپاکی ها کفایت و بی نیاز کن.

أَقْبِلْ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ إِلَيَّ وَلَا تَصْرِفْهُ عَنِّي،

با لطف و رحمت بی کرانت به من رو کن و هرگز روی خود را
از من برنگردان،

وَإِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ فَاهْدِنِي،

و مرا به راه راست خود هدایت کن،

وَلَمَّا تَحَبُّ وَتَرْضَى فَوْقَ قَنِي.

و به آنچه دوست داری و از آن خشنود می شوی، مرا توفیق ده.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الرِّيَاءِ وَالسُّمْعَةِ،

خداوندا! من به تو پناه می برم از ریا و شهرت طلبی،

وَالْكِبْرِيَاءِ وَالتَّعْظِيمِ^۸ وَالْخِيَلَاءِ، وَالْفَخْرَ وَالْبَذَخَ،

و از تکبر و بزرگ بینی، و خودپسندی، و فخر فروشی و تفاخر،

وَالْأَشْرَ وَالْبَطْرَ، وَالْإِعْجَابَ بِنَفْسِي وَالْجَبَرِيَّةَ، رَبِّ

فَنَجِّنِي.

از سرمستی و طغیان، و از خودشیفتگی و زورگویی. پروردگارم! از اینها
نجاتم بده.

وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ^{۴۹} وَالْبَخْلِ^{۵۰} وَالْحَرِصِ وَالْمُنَافَسَةِ
وَالْغِيْشِ^{۵۱}.

و به تو پناه می برم از ناتوانی و بخل، و حرص و رقابت (چشم و همچشمی نمودن) و فریبکاری.

وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الطَّمَعِ وَالطَّبْعِ وَالْهَلَعِ وَالْجَزَعِ وَالزَّيْغِ
وَالْقَمْعِ.

و به تو پناه می برم از طمع و خوی بد و سیری ناپذیری و بی تابي و انحراف و سرکوب.

وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبَغْيِ وَالظُّلْمِ وَالْإِعْتِدَاءِ وَالْفَسَادِ
وَالْفُجُورِ وَالْفُسُوقِ.

و به تو پناه می برم از سرکشی و ستم و تجاوز و فساد و فجور و خروج از حق.

وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِيَانَةِ وَالْعُدْوَانِ وَالطُّغْيَانِ.
و به تو پناه می برم از خیانت و ستم و سرکشی.

رَبِّ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَعْصِيَةِ وَالْقَطِيعَةِ وَالسَّيِّئَةِ
وَالْفَوَاحِشِ وَالذُّنُوبِ.

پروردگارم! پناه می برم به تو از نافرمانی و بریدن از حق و بدی و زشتی ها و گناهان.

وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِثْمِ وَالْمَآثِمِ وَالْحَرَامِ وَالْمُحَرَّمَ
وَالْخَبِيثِ^{۵۲} وَكُلِّ مَا لَا تُحِبُّ.

وبه توپناه می برم از گناه و آنچه موجب گناه می شود، و حرام و آنچه حرام شمرده شده، و ناپاک و هر آنچه تو دوست نداری.

رَبِّ أَعُوذُ بِكَ^{۵۳} مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَبَغْيِهِ^{۵۴} وَظُلْمِهِ
وَعَدَاوَتِهِ، وَشَرِّكَهِ وَزَبَانِيَّتِهِ وَجُنْدِهِ،

پروردگارم! به توپناه می برم از شر شیطان و سرکشی و ظلم و دشمنی او، و از دام ها و یاران و لشکریان او،

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ
فِيهَا

وبه توپناه می برم از شر آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه به آن بالا می رود.

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ مِنْ دَابَّةٍ وَهَامَّةٍ أَوْ
جِنٍّ أَوْ إِنْسٍ مِمَّا يَتَحَرَّكُ،

وبه توپناه می برم از شر هر جنبنده و خزنده ای که آفریده ای، یا هر جن و انسی که حرکت می کند،

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ فِي الْأَرْضِ وَمَا يُخْرِجُ مِنْهَا،
وبه توپناه می برم از شر آنچه در زمین آفریده شده، و آنچه از آن خارج می شود،

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ كَاهِنٍ وَسَاحِرٍ وَزَاكِينٍ^{۵۵}
وَنَافِثٍ وَرَاقٍ.

وازشرهرکاهن وجادوگرو فالگیر، وهرکسی که بانیرنگ
فال بینی می کند و افسونگری (که در گره ها می دمد) و هر
دعانویسی (طلسم کننده) به توپناه می برم.

وَأَعُوذُ^{۵۶} بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ حَاسِدٍ وَبَاغٍ وَنَافِيسٍ،
وَطَاغٍ وَظَالِمٍ وَمُتَعَدٍّ^{۵۷} وَجَائِرٍ،

وبه توپناه می برم ازشرهرحسود وسرکش ورقابت گر، وازشر
هر طغیانگرو ظالم ومتجاوز و بیدادگر.

وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَمَى وَالصَّمَمِ وَالْبَكْمِ وَالْبَرَصِ
وَالْجَذَامِ وَالشَّكِّ وَالرَّيْبِ

وپناه می برم به تواز کوری و کوری، ولالی و پیسی، وجذام و
شک، وتردید همراه با سوء ظن

وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَشْلِ وَالْكَسَلِ وَالْعَجْزِ وَالتَّقْرِيطِ
وَالْعَجَلَةِ وَالتَّضْيِيعِ وَالتَّقْصِيرِ وَالْإِبْطَاءِ،

وبه توپناه می برم ازناکامی و تنبلی و ناتوانی و کوتاهی نمودن،
وشتابزدگی و ضایع کردن فرصت ها و کم کاری و کندی
در امور،

وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ مِنْ شَرِّ^{۵۸} مَا خَلَقْتَ فِي السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى.

وبه تو پناه می برم ای پروردگارم از شر آنچه در آسمان ها و زمین و
آنچه میان آنها و در زیر زمین آفریدی.

رَبِّ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ^{۵۹} وَالْحَاجَةِ وَالْمَسْأَلَةِ
وَالضَّيْعَةِ وَالْعَائِلَةِ،

پروردگارم! وبه تو پناه می برم از فقر و بی چیزی و نیاز و گدایی، و
بی چارگی و تنگی معیشت،

وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْقِلَّةِ^{۶۰} وَالذِّلَّةِ،

وبه تو پناه می برم از کمبود و خواری،

وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الضِّيقِ وَالشَّدَّةِ وَالْقَيْدِ وَالْحَبْسِ

وبه تو پناه می برم از تنگدستی و سختی، از زنجیر و حبس،

وَالْوَثَاقِ وَالسُّجُونِ وَالْبَلَاءِ، وَكُلِّ مَخُوفٍ^{۶۱} وَمُصِيبَةٍ

لَا صَبْرَ لِي عَلَيْهَا، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

و اسارت و زندان و گرفتاری و از هر امر ترسناک و مصیبتی
که تاب تحمل آن را ندارم. اجابت کن ای پروردگار جهانیان.

اللَّهُمَّ أَعْطِنَا كُلَّ الَّذِي سَأَلْنَاكَ،

خداوند! هر آنچه از تو خواستیم به ما عطا کن،

وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ عَلَى قَدْرِ جَلَالِكَ وَعَظَمَتِكَ بِحَقِّ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

و از فضل خودت، به اندازه جلال و عظمتت، بر ما بیفز، به حق
اینکه هیچ محبوبی نیست جز تو که عزیز و حکیمی.

۱. ثُمَّ عَرَفْتُ

۲. ثُمَّ عَرَفْتُ مَا أَصْدَرْتَ إِذْ عَرَفْتَنِيهِ

۳. فَلَكَ إِلَهِي الْحَمْدُ / فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي

۴. الْهَلَاكِ

۵. حَلَلْتُ

۶. تَلَفٍ

۷. عُقُوبَاتِكَ

۸. مَقَرُّ

۹. وَمَقَرُّعُ الْمُضَيِّعِ

۱۰. لِحِطِّ نَفْسِهِ الْمُلْتَجِي

۱۱. طُبَات

۱۲. صَدَد

۱۳. أَظْهَرَ

۱۴. زُعَاقٍ / ذُعَافٍ

۱۵. كَثْرَةٍ

۱۶. أُرْصِدْ لِي بِالْبَلَاءِ

۱۷. در برخی نسخه ها: غَيِّظُهُ

۱۸. وَلَمْ يَسْكُنْ غَلِيلَهُ

۱۹. عَلَى

۲۰. أَخْلَفَتْ

۲۱. بِمَكَائِدِهِ

۲۲. شَرَكَ مَصَائِدِهِ

۲۳. لِفَرِيصَتِهِ / در برخی نسخه ها اضافه دارد: وَهُوَ يُظْهِرُ لِي بَشَاشَةَ الْمَلِكِ، وَيَنْظُرُنِي عَلَى شِدَّةِ الْحَنَقِ فَلَمَّا رَأَيْتَ - يَا إِلَهِي تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ - دَغَلَ سَرِيرَتِهِ، وَقُبِحَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ، أُرْكَسَتْهُ لِأَمْرِ رَأْسِهِ فِي زُبَيْتِهِ، وَرَدَدَتْهُ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِ، فَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلًا فِي رَبْقِ حَبَالَتِهِ الَّتِي كَانَ يُقَدِّرُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا، وَقَدْ كَادَ أَنْ يَحُلَّ بِي لَوْلَا رَحْمَتُكَ مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ. وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ شَرِقَ بِي بِغُصَّتِهِ، وَشَجِيَ مِنِّي بِغَيْظِهِ، وَسَلَقَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ، وَوَحَرَنِي بِقَرْفِ عُيُوبِهِ، وَجَعَلَ عِرْضِي غَرَضًا لِمَرَامِيهِ، وَقَلَدَنِي خِلَالًا لَمْ تَزَلْ فِيهِ، وَوَحَرَنِي بِكَيْدِهِ، وَقَصَدَنِي بِمَكِيدَتِهِ.

۲۴. لَا يَفْرُغُ

۲۵. مَعْقِلٍ

۲۶. سَحَائِبٍ

۲۷. در برخی نسخه ها اضافه دارد: وَ سَحَائِبٍ نِعِمٍ أَمْطَرَتْهَا عَلَيَّ، وَ جَدَاوِلِ رَحْمَةٍ نَشَرَتْهَا، وَ عَاقِبَةِ الْبَسْتَةِ، وَ أَعْيُنِ أَحْدَاثٍ طَمَسَتْهَا

۲۸. عَوَّاشِي

۲۹. در برخی نسخه ها اضافه دارد: وَكَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنِ حَقَّقْتَ، وَعَدَمٍ جَبَرْتَ، وَصَرَعَةٍ أَنْعَشْتَ، وَمَسْكَنَةٍ حَوَّلْتَ. كُلُّ ذَلِكَ إِنْْعَامًا وَنَطُولًا مِنْكَ، وَفِي جَمِيعِهِ اِنْهَمَاكًا مِنِّي عَلَى مَعَاصِيكَ، لَمْ تَمْنَعْكَ إِسَاءَتِي عَنْ إِتْمَامِ إِحْسَانِكَ، وَلَا حَجَرَنِي ذَلِكَ عَنِ ارْتِكَابِ مَسَاحِطِكَ

۳۰. در برخی نسخه ها اضافه دارد: يَا مَوْلَايَ

۳۱. در برخی نسخه ها اضافه دارد: وَامْتِنَانًا وَنَطُولًا وَإِنْْعَامًا

۳۲. تَفَحُّمًا لِحُرْمَاتِكَ

۳۳. تَعَدِّيًا لِحُدُودِكَ

۳۴. عَقْلَةً

۳۵. مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوعِ النِّعَمِ، وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ

۳۶. اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفِيعَةِ، وَالْعُلُويَّةِ الْبَيضَاءِ،

۳۷. وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمَا أَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ كَذَا وَكَذَا

۳۸. تا این بخش در صحیفه کامله سجادیه ذیل شماره ۴۸ یا ۴۹ بر اساس اختلاف نسخه ها ذکر شده است.

۳۹. در برخی نسخه ها اضافه نموده است: فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَدَوَامِ تَوْفِيقِكَ مَا أَتَّخِذُهُ سُلْمًا أَعْرُجُ بِهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ وَأَمُنُ بِهِ مِنْ عِقَابِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (مهج الدعوات و منهج العبادات؛ ص ۱۶۰)

۴۰. وَمَثْوَايَ عَافِيَةً

۴۱. مُعَافَاةً وَبَرَكَهَةً

۴۲. قَدَّرْتَ

۴۳. در نسخه بحار: فَقَدْ عَجَزْتُ عَنْ عَمَلِي فَكَيْفَ أَرْجُو مَا قَدْ عَجَزَ عَنِّي (بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۹۲؛ ص ۱۸۲)

۴۴. يٰبُشْرُكَ فَبَشِّرْنِي / يٰبِسَارِكَ فَبَشِّرْنِي / در نسخه أمالي طوسي؛ ص ۱۷:
وَبِإِشَارَتِكَ فَبَشِّرْنِي

۴۵. وَفِي ظِلَالِكَ / در نسخه بحار: بِأُظْلَالِكَ: بحار الأنوار (ط - بيروت)؛
ج ۹۲؛ ص ۱۸۲ / در نسخه مهج الدعوات: فَظَلَّلَنِي

۴۶. تَسْمِنِي ودر برخی دیگر: وَلَا تُمَسِّنِي

۴۷. وَالصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ

۴۸. التَّعَظُّمِ

۴۹. در نسخه بحار الانوار: مِنَ الْفَجْرِ

۵۰. در برخی نسخه ها اضافه دارد: وَالشُّجَّ وَالْحَسَدِ

۵۱. الْغَيْشِ

۵۲. در نسخه بحار الانوار: الْحَبِثِ

۵۳. رَبِّ وَأَعُوذُ بِكَ

۵۴. وَمَكْرِهِ وَبَغْيِهِ

۵۵. رَاكِز / رَاكِن

۵۶. رَبِّ وَأَعُوذُ

۵۷. مُعْتَدٍ / در نسخه بحار: مُعَايِدِ

۵۸. وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ

۵۹. در برخی نسخه ها با حذف الفاقة

۶۰. الْعَيْلَةَ (الأمالي (للطوسي)؛ النص؛ ص ۱۸)

۶۱. در برخی نسخه ها با حذف مخوف